

## بررسی تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی در مدیریت فضاهای شهری

محمدکمیلی<sup>۱</sup> \* کرامت‌الله زیاری<sup>۲</sup> \* احمد پوراحمد<sup>۳</sup> \* حسین حاتمی‌نژاد<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از این مقاله، بررسی اثرات فرهنگ و سنت دینی در مدیریت فعلی شهرها است. روش تحقیق، بررسی نظریه‌ها و سپس آزمون فرضیه و تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در زمینه خاص عناصر مدیریت فضای شهر اسلامی است که با توصیف اسنادی و تحلیل پیمایشی در جهت رد یا قبول فرضیه با کمک روش پیمایشی و توصیفی و تحلیل علی فرضیه‌ها در بوته آزمایش قرار می‌گیرد (علی یا پس‌رویدادی). یافته‌ها حاکی از آن است که مدیریت شهری بخش مرکزی تهران با الگوهای ایرانی اسلامی بر جای مانده از گذشته برای حفظ و احیای این عناصر مطابقت دارد.

**واژگان کلیدی:** شهر ایرانی، شهر اسلامی، الگوی مدیریت، فضاهای شهری و فرهنگ اسلامی ایرانی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال دوم • شماره هشتم • پاییز ۹۲ • صص ۳۱-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۵/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۱۱

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی، نویسنده مسئول (Mk\_438@yahoo.com).

۲. استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (zayyari@ut.ac.ir).

۳. استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (apoura@ut.ac.ir).

۴. استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (hatami35@yahoo.com).

## مقدمه

سابقه به وجود آمدن نظام مدیریت شهری در ایران تقریباً مصادف با تشکیل اولین شهرها در دوران ماد و سلسله پادشاهی هخامنشی در ایران است. این درحالی است که بیش از یک قرن از نظام مند شدن قانون بلدیه در ایران می گذرد؛ قانونی که الگوی اولیه آن از کشورهای بلژیک و فرانسه برداشته شد و پس از اصلاحات متعدد، هنوز رد پای آن در قوانین مدیریت شهری کشور مشهود است. بنابراین لزوم توجه به الگوهای بومی در ساختار مدیریت شهری بیش از پیش احساس می شود.

با توجه به رشد شهرنشینی و ورود دانش غربی در حوزه های مطالعاتی و اجرایی به شهرهای اسلامی، به تدریج شاهد از بین رفتن مصر (مادرشهر، شهری که در آن سلطان نشیند) و مدینه و بلد و تبدیل آن به متروپل ها، مگالاپلیس و مگاسیتی و.. هستیم. این درحالی است که خاورمیانه - که خواستگاه تمدن مادی و معنوی بشر بوده - از کاروان توسعه بازمانده است. تبعات این مهم، بروز چالش هایی همچون بحران هویت، آشفتگی کالبدی و نبود الگوی شهرسازی پایدار، آلودگی های زیست محیطی، فقر و عدم بالندگی اقتصادی، مشکلات مسکن و اسکان غیررسمی، مشکلات ترافیک و ازدحام جمعیت، کمبود فضاهای خدماتی، مشکلات عدم امنیت و جرم، مشکلات روحی و روانی، مشکل مشرفیت و عدم تقارن بناها و منظر نامناسب و... است (برک پور، ۱۳۹۰: ۴۲). آنچه بیش از هر چیز در شهرهای اسلامی خودنمایی می کند، تکیه بیش از حد شهرسازان و مدیران شهری به تئوری های غربی برای ساماندهی و توسعه بافت های شهری است که بنیان فکری و دینی منبعث از جامعه اسلامی را به تدریج به دست فراموشی می سپارد و مانع از شکل گیری تفکر و مکتب شهرسازی مستقل می شود. درحالی که منابع ارزشمندی در تمدن اسلامی وجود دارند که می تواند پاسخگوی نیاز جوامع شهری مسلمان باشند. در خصوص مباحث مربوط به نقش فرهنگ و مذهب در مدیریت در کشور، به ندرت مطالعه ای صورت

گرفته که آن هم مربوط به نتیجه پژوهش‌های سایر کشورهاست. به عنوان مثال، برک پور در کتاب خود با عنوان «مدیریت و حکمروایی شهری» به چالش‌های مدیریت شهرهای امروزی پرداخته و عمده‌ترین مشکل را در جهانی شدن مدیریت شهرها با چالش‌های جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن فرهنگ و سیاست می‌داند (همان: ۵۲). وی تأثیر فرهنگ جهانی بر مدیریت شهر را یکی از چالش‌های کنونی در مدیریت شهری عنوان می‌کند که رشد جریان‌های فرهنگی میزان مشابهت میان مکان‌های دور از هم را افزایش داده و بر پیچیدگی‌های محلی افزوده است (همان: ۴۸). وی همچنین سیاست‌های مشابه در مدیریت شهری، رواج معماری پست‌مدرن و چندفرهنگی بودن شهرها را از جمله دیگر عوامل تأثیرگذار ایجاد این چالش برمی‌شمرد (همان: ۵۲). ذکائی در مقاله خود اصلی‌ترین معضل هویت‌زدایی در شهرهای اسلامی را ضعف مشارکت شهروندان و سیستم‌های مطلوب مدیریت شهری می‌داند (ذکائی، ۱۳۸۱: ۵۲). عریان اعتمادسازی میان شهروندان و مدیریت شهری را راهکار احیای شهرسازی ایرانی اسلامی برمی‌شمرد (عریان، ۱۳۷۴: ۲۹۰). اما از طرفی عدم آگاهی مردم از فرهنگ اسلامی ایرانی در مدیریت شهری، نبود الگوی اسلامی در مدیریت شهری، نبود الگوی بومی، عدم وجود تشکیلات مردمی برای انتقال خواسته‌ها و غفلت از میراث و تمدن اسلامی ایرانی از جمله مهم‌ترین موانع در این خصوص به شمار می‌آیند (تایماز، ۱۳۸۹: ۱۳۷). حال مسئله اینجاست که با در نظر گرفتن اصول دین مبین اسلام و نیز سنت‌های ایرانی به جا مانده از گذشته، آیا می‌توان به چارچوبی برای مدیریت شهرهای ایرانی اسلامی دست یافت. شهروندان چه متغیرهایی را در الگوی ایرانی اسلامی مدیریت فضاهای شهری تأثیرگذار می‌دانند؟

در این مقاله تلاش برای مطالعه الگوهای مدیریت فضاهای شهری گذشته ایران و برخی کشور اسلامی و نیز نظریه‌های اندیشمندان اسلامی و غربی برای رسیدن به یک مدل بنیادی بر اساس آموزه‌های دینی در مدیریت فضاهای شهری هستیم و سپس در حوزه فضای کالبدی این مدل را در محدوده مطالعه به آزمون گذاشته‌ایم. تحلیل نهایی مبتنی بر نظرات ساکنین بخش مرکزی تهران در خصوص عوامل تأثیرگذار بر مدیریت ایرانی اسلامی شهر در محدوده مطالعه است.

## ۱. تحولات مدیریت شهری در ایران

شهرنشینی در دوران اسلامی، نوعی استمرار روند زندگی شهری دوران قبل از آن محسوب

می‌شد. با این حال برخی دگرگونی‌ها نیز مربوط به تحول و تغییر شیوه حکومت مرکزی از ساسانیان به حاکمان مسلمان است (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۶۸) در این ایدئولوژی، شاهد ساختار جدیدی هستیم که مسجد قلب آن است و حتی مکان مسکونی بدون مسجد شهر به حساب نمی‌آید (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۸۷).

در دوره صدر اسلام، از جمله اقداماتی که در زمان پیامبر (ص) در مدیریت شهری به وجود آمد، تشکیل دیوان وقف و دیوان حسبه در شهر بود که وقف اختصاص به فضاهایی برای دفاع از شهر، مراکز تعلیمی و آموزش و سنگرها، حمام‌ها، آبشخورها، راه‌ها، کاروانسراها، کاله‌ها و بازارها داشت. در دوران بنی‌امیه شاهد اولین شکاف در قدرت و شریعت هستیم (نظریان، ۱۳۸۳: ۲۳). ارکان عمده شهر در این دوره دارالخلافه یا دارالحکومه به جای کهندژ در ایران است که بعدها مجموعه ارگ را پایه‌ریزی کرد و در کنار مسجد جامع و بازار، سه رکن اساسی شهر را به وجود آورد. مصادف با شکل‌گیری امپراتوری اسلامی در دوران بنی‌عباس، مسجد جامع از حکومت جدا شده و به صورت یک پایگاه مردمی درمی‌آید (همان). زنده شدن مفهوم شهر ساسانی و شکل‌گیری مذهب شیعه از تحولات این دوره است که در آن مسجد جامع از حالت سادگی و بی‌پیرایگی اولیه درآمده و سیمای شهری خود را از محیط اطراف جدا می‌سازد (کوئو، ۱۳۸۴: ۴۱). دیوان اداری ایرانیان در این دوره علاوه بر نفوذ در افکار شهرسازی ایرانی در مدیریت شهری نیز نفوذ می‌کند، به گونه‌ای که در دوره منصور، خلیفه عباسی، شهر بغداد به چهار بخش تقسیم کرده و مدیریت هر بخش را به یک مهندس واگذار می‌کند که شامل دارالعماره (میدانی بزرگ که در کنار آن کاخ خلیفه و مسجد جامع قرار دارد)، شارستان (خانه‌های امرا و نزدیکان خلیفه و دولتمردان و دیوانیان) و ربض (نهادهای شهری مانند بازار، میدان و محله) بوده است (همان). بعد از سقوط بنی‌عباس تا دوره صفویه حکومت و مذهب کاملاً از هم جدا می‌شوند. این دوره شامل دو بخش است که شامل روی کار آمدن حکومت‌های اصیل ایرانی (سامانیان و آل بویه) و حکومت‌های غیرایرانی (سلجوقیان، مغول و تیموریان) است. از جمله ویژگی‌های ساختار شهر در دور اول، ظهور سبک خراسان در شهرسازی و فروریختن نظام طبقات اجتماعی و گسترش شهر در جهات اربعه در نتیجه اتصال راسته‌ها با میدان ناشی از تأثیر باورهای مذهبی است (حبیبی، ۱۳۸۳: ۴۸).

دور دوم نیز در نتیجه عقاید نظریه‌پردازانی همچون غزالی و نظام‌الملک، سلطه

حکومت مرکزی بر شهر و مردم بیشتر می‌شود و حتی شکوه و شکوفایی محلات در نتیجه سلطه عقیدتی فرهنگی و در جنبه‌های اقتصادی اجتماعی است (نظریان، پیشین: ۲۶). ویژگی اصلی شهرهای این دوره، میدان اصلی بزرگ میان شهر است که در پیرامون آن کاخ‌ها، دیوان‌ها، جامع و گاه بیمارستان قرار دارد و هر محله از طریق گذری که یک دهانه‌اش به بازار ختم می‌شود و دارای بازارچه، حمام، مسجد و گورستان است، شکل می‌گیرد (همان). در دوران اسلامی، شهرها از حیث اندازه به مصر، قصبه، مدینه و قریه تقسیم می‌شدند که بر مبنای وسعت شهرها، میزان استقلال و خودمختاری، نهادها کاهش یافته و به حوزه‌ای بزرگ‌تر وابسته می‌شوند (مقدسی، ۱۳۶۸: ۶۴۶).

وجود مسجد برای برگزاری نماز جماعت در روز جمعه در شهرهایی که از حیث جمعیت از تعداد مناسبی برخوردار بودند، رفته رفته این مکان را در تشکیلات مدیریتی شهر دارای نقش ویژه‌ای ساخت. با توجه به اینکه صرفاً سکونتگاه‌هایی مقام «شهر» می‌یافتند که دارای مسجد آدینه باشند، می‌توان به اهمیت نقش مسجد در مدیریت شهر پی برد (سیاوش، ۱۳۸۶). ضمن آنکه در دوران اسلامی اداره امور اداری و سیاسی شهرها را به سه وجه سازمان‌های اجتماعی اقتصادی شهر، امور قضایی و امور انتظامی شهر می‌توان تقسیم کرد که برای انجام امور هر یک، مقام‌هایی تعیین می‌شد.

## ۲. ساختار عوامل مدیریت فضای شهر در دوران اسلامی

با توجه به سیر تحول نظام مدیریت شهری در ایران، عوامل گرداننده شهرها بسته به ایدئولوژی‌های حاکم بر مدیریت کلان کشور و نیز وسعت و اهمیت شهر، به درجات و وظایف متعددی تقسیم‌بندی می‌شدند که رد پای آن در شهرهای امروزی نیز کمابیش وجود دارد. عمده‌ترین عوامل نظام مدیریت در شهرهای اسلامی عبارت بودند از:

- حاکم: در رأس تمام مسئولان و مدیران شهر، حاکم یا امیر هر ولایت قرار داشت. انتخاب، نصب و عزل مسئولان دیوان مظالم، کارکنان دفتر ثبت اسناد و رسیدگی به قباله‌های املاک و نظارت بر کار عسس، محتسب و نرخ بازار با او بود. کارهای عمرانی تحت نظارت او انجام می‌گرفت و مراقبت از وضع بارو، پل‌ها و بناهای عمومی شهر نیز با او بود. همچنین به رئیس شهر در انجام خدمات که گویا در آن عهد، تعیین نرخ اجناس و

رسیدگی به امور اصناف بود یاری می کرد (کاظمیان، ۱۳۸۸).

- کلانتر یا رئیس شهر: از دوره حکومت ترکمانان در قرن نهم هجری تا دوره صفویه، منصبی با عنوان کلانتر شهر به وجود آمد که پس از حاکم یا امیر، عهده دار مسائل و امور داخلی بود و تحت نظارت حاکم کار می کرد. رسیدگی به امور اجتماعی و اقتصادی و امور خدماتی که امروزه در حیطه اختیار شهرداری هاست، بر عهده وی بود. کلانتر، مسئول رسیدگی به امور اصناف و انجمن های صنفی، محله های شهر، تقسیم کارهای اجتماعی و شهری بین زیردستانش، تعیین سهم مالیات هر صنف و گروه و نحوه پرداخت آن و کارهایی از این قبیل بود. وی مالیات اصناف و بنیچه هر کدام از پیشه وران را با کمک شخص سومی موسوم به نقیب که مهتر اصناف بود انجام می داد (اشرف، ۱۳۵۷: ۵).

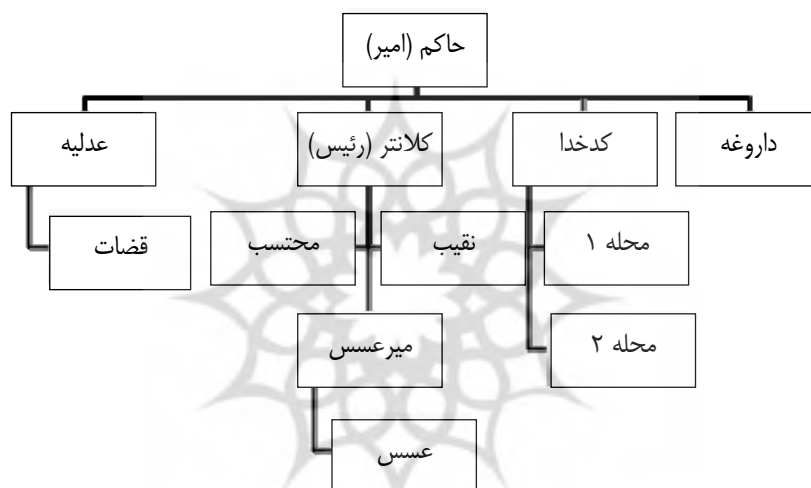
- کدخدا: در سطح محلات شهر کدخدا وجود داشت که بیشتر از میان محترم ترین و ثروتمندترین افراد محل برگزیده می شد. از آنجا که کدخدا با وضعیت اقتصادی و اجتماعی اهالی محله آشنا بود، در زمینه مسائل اقتصادی و اداری از طرف کلانتر و حاکم با او مشورت می شد و از او خواسته می شد مالیات ها یا هزینه های دیگر را بین اهالی تقسیم و از آنها وصول کند (کاظمیان، پیشین).

- محتسب: اختیارات گسترده ای داشت. زمینه فعالیت او را می توان مذهبی، اقتصادی دانست. امر به معروف و نهی از منکر می کرد و هر جا خم های شراب می یافت، آنها را می شکست و خرابیات را تعطیل می کرد. در زمینه اقتصادی نیز به تعیین نرخ اجناس می پرداخت و بر قیمت آنها نظارت داشت. رسیدگی به کیفیت غذاها، سرکشی به گرمابه ها و فضاهای عمومی شهر نیز از دیگر وظایف او بود. بیشتر محتسبان در محل نزدیک بازار و یا داخل آن، به ویژه در چهارسوق ها مستقر بودند. در سده های نخستین هجری، محتسبان از میان عالمان و فقیهان برگزیده می شدند تا با امور و احکام شرعی آشنا باشند و بتوانند از عده وظایف بر آیند. در دوره قاجاریه، اداره ای به نام احتسابیه که دو شعبه احتساب و نظیف داشت، تشکیل شد.

- عسس: امور انتظامی شهر بر عهده عسس بود. او وظیفه داشت هنگام شب در بازار و محله های شهر به گشت زنی پرداخته، افراد مظنون را دستگیر و از آنها بازجویی کند.  
- داروغه: اگر چه وظایف داروغه تا پیش از دوره صفویه بیشتر لقب حاکم شهر بود،

اما از آن دوره به بعد امور انتظامی و مراقبت از رعایت قوانین، به طور خاص برعهده داروغه گذاشته شد. این سمت در دوره ناصرالدین شاه از میان رفت و به جای آن، نظمیه تهران تأسیس شد (اشرف، پیشین).

- قاضی: حکام شرع به همه امور قضایی رسیدگی می کردند، اما در پی گسترش شهرها و افزایش مسائل مورد اختلاف، برخی از دعاوی و مشکلات ساده یا جزایی به مقامات دیگر واگذار شد.



نمودار ۱. نمودار نظام مدیریت در شهرهای ایران قبل از تصویب قانون بلدیه

همان گونه که در ساختار مدیریت شهری گذشته ایران ملاحظه می شود، ترکیبی از عوامل حکومت (کلانتر، داروغه و عدلیه) و نماینده محلی (کدخدا) در مدیریت شهری گذشته شهرهای اسلامی نقش داشتند، اما نظارت بر چگونگی فعالیت های کالبدی برعهده حاکم یا امیر بود و مابقی در حد نظافت و نظارت و ایجاد و برقراری نظم در مدیریت شهری نقش داشتند.

### ۳. اصول بنیادی حاکم بر مدیریت شهر اسلامی

جامعه اسلامی در برگیرنده رفتارها و مناسبات شهروندی مبتنی بر اصول، قواعد و

سیاست‌هایی است که در فرهنگ و مذهب ریشه دارد که از جمله مهم‌ترین اصول کالبدی نشئت گرفته از مذهب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اصل نظم سنتی شهر اسلامی: «آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت» (ملک: ۳ و ۴). نظم در مدیریت و کالبد شهرهای اسلامی علی‌رغم بافت اندامواره آن، حاکی از توجه به این اصل در طی دوران مختلف است. فضاهای سنتی به لحاظ وحدت مبانی و اصول خویش، ذهن را به سمت واحد هدایت می‌کنند و در نتیجه موجب تمرکز و آرامش ذهن انسان می‌شوند و این موضوع را می‌توان در سادگی، نظم و تقارن مصنوعات آن که با ظرفیت خاصی طراحی شده، مشاهده کرد.

۲. اصل استحکام و استواری شهر: در توصیف شهردر برابر هجوم تخریبی در قرآن کریم آمده است: «آنان جز در قریه‌هایی که دارای استحکامند یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید» (حشر: ۱۴). بنابراین مسلمانان مکلف به ایجاد استواری، استحکام، همبستگی اجزا و دژوارگی در شهرهایشان شده‌اند. این اصل باعث تقویت امنیت و اطمینان در شهر اسلامی می‌شود و رعایت آن در ساخت بنا و بافت شهری قابل پیاده‌سازی است.

۳. اصل مکان‌یابی مناسب شهر و کاربری‌های شهری: امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می‌فرماید: اگر خداوند خانه خود را در میان باغ‌ها، نه‌ها، سرزمین‌های سبز، هموار و پردرخت، مناطقی آباد و کاخ‌هایی بلند و میان‌گندم‌زارها و دارای مناظر زیبا و شادی‌آفرین و جاده‌های آباد قرار می‌داد، به همان اندازه از پاداش آن نیز کاسته می‌شد. در این خطبه و نیز آیات قرآن و سایر احادیث در وصف جنات، قرار گرفتن شهر در جغرافیای طبیعی مناسب (میان باغ، بستان، جویبارها، دشت‌های پهن و کوه‌ها) سرزمین‌عاری از لرزه، برخوردار از انبوه درختان، پیوستگی و نزدیکی به شهرها و آبادی‌ها، برخوردار از چشم‌انداز و مناظر زیبا، برخوردار از منابع آب فراوان، خاک خوش بو (اشاره به خطبه ۱۳ امیرالمؤمنین که خاک شهر بصره را بدبوترین خاک و از همه جا نزدیک‌تر به آب و دور از آسمان)، وجود راه‌ها و جاده‌های آباد، فاصله مناسب از دریا از جمله توصیفات شهر در دیدگاه اسلامی است.

۴. اصل حفاظت از محیط زیست: از جمله مهم‌ترین آیاتی که در قرآن به صراحت، به حفظ محیط زیست اشاره کرده است می‌توان به آیه «خداوند شما را از زمین خلق کرد و

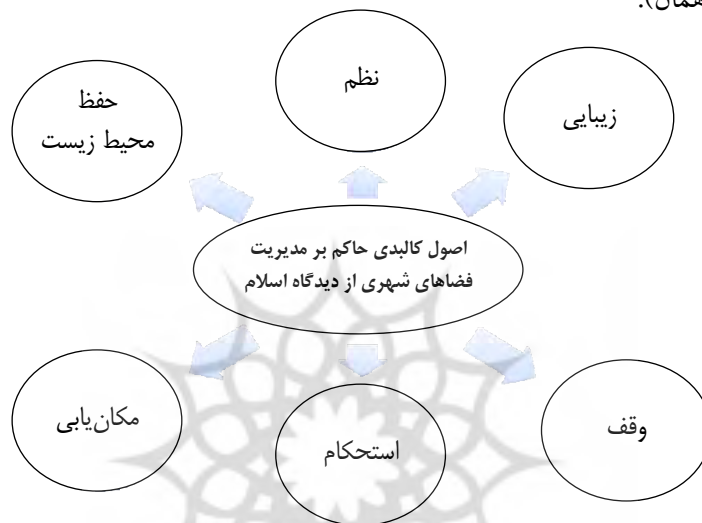


شما را مأمور آبادانی آن کرد» (هود: ۶۱) و نیز آیه «و آنان که در زمین فساد می کنند از زیانکارانند» (بقره: ۲۷) اشاره کرد. با عنایت به آیات و احادیث متعدد مبنی بر لزوم حفظ پاکی زمین، هوا و آب، ابن رami از معماران متبحر دوران اسلامی در چارچوب احکام خمس و از زاویه دید فقهی احکام ضرر در شهر اسلامی و آثار مخرب آن را در عمران از جمله دود، بوی بد، صداهای گوش خراش، حفظ قنوات، اصلاح آبریزگاهها و کوچه‌ها تدوین کرد. وی از اولین کسانی بود که به حفظ ارزش‌های زیست‌محیطی در شهر اسلامی پرداخت (ابن رami، ۱۹۸۸: ۹۲).

۵. اصل زیبایی: بهترین نشان، صفت جمال الهی است که «ان الله جمیل و یحب الجمال»؛ در منظر معارف اسلامی علاوه بر اینکه جهان، تجلی زیبایی خداوند است. زیباآفرینی رنگ‌ها یکی از نمودهای زیبایی در فرهنگ زیباشناسی قرآن است: «آیا ندیدی که خداوند از آسمان آب را فرستاد، پس بیرون آوردیم از آن میوه‌هایی با رنگ‌های مختلف و زیبا و از کوه‌ها نیز جاده‌های آفریده شده، سفید و سرخ و رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه» این نقاش چیره‌دست با یک قلم و یک مرکب (آب) انواع نقش‌ها را ابداع کرده که بینندگان را مجذوب و شیفته خود می‌کند. در جای دیگر در مورد رنگ زرد می‌فرماید: «گفتند بخواه از پروردگارت تا بیان کند رنگ آن گاو را، گفت آن گاوی است زرد خالص که رنگش مسرور می‌سازد بینندگان را» (بقره: ۶۹). رنگ زرد، نشاط‌آور است و چشمگیر و رنگ سبز آرامش‌بخش‌ترین رنگ‌ها و علامت زندگی، رویش، صلح و جاودانی است (رفیقدوست و شهبان، ۱۳۸۷). خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما امکانات را در اختیار قرار دادیم تا شما مصنوعات زیبا را استخراج کنید» و نیز می‌فرماید: «شما در زمین قصرها می‌سازید» (اعراف: ۷۴) و «از آن فلزاتی که در آتش برای زینت آلات یا کالا، ذوب می‌کنید» (رعد: ۱۷). در این آیات به آثار هنری زیبایی بشری از قبیل قصرها و زیورآلات و نقاشی‌ها و صورت‌ها اشاره شده است. با تأکید بر این آیات، می‌توان دریافت که توجه به زیبایی و نمود آن در اقتدار اسلامی از اصول زندگی بشر است (همان).

۶. اصل وقف و فضاهای عمومی: وقف، در نظر گرفتن فضاهایی است که استفاده از آن جنبه عام‌المنفعه داشته باشند و از جمله مفاهیم دینی است که ملل مختلف، به‌ویژه ایرانیان قدیم به آن پایبند بودند. آتشکده، کتیبه‌ها، کلیساها، صدقات جاری و اوقاف ضامن تداوم شهرها بوده است (شهبان، ۱۳۴۳: ۲۰۳). دیوان وقف از اولین ساختاری بود که پیامبر

اکرم(ص) در شهر به وجود آورد تا فضاهای عمومی دستخوش تصرف قرار نگیرد و وظیفه حسب نگهداری از موقوفات بود دیوارهای استحکامی شهر، مراکز تعلیم آموزش، قبرستان‌ها، مساجد، سنگرها، حمام‌ها، معابر و راه‌ها، کاروانسراها، آبشخورها، بیمارستان‌ها و غیره از جمله فضاهای وقفی در شهر بودند که متعلق به عموم شهروندان به شمار می‌آمدند (همان).



نمودار ۲. ارتباط عناصر بنیادی در مدل شهر اسلامی

#### ۴. الگوهای فضایی شهر اسلامی از دیدگاه متفکرین غربی

در پرداختن به شکل و مدل شهرهای اسلامی، اولین پژوهشگرانی که به تهیه مدل شهر اسلامی پرداختند، جغرافی دانان آلمانی بودند. به عنوان نمونه، دتمان مسجد و بازار را قلب شهر اسلامی می‌دانند که در بازار علاوه بر محل خرید و فروش، محل پیشه‌وری‌های مختلف است و در کمربندی بیرونی بازار محلات خاص بر اساس مذاهب، مشاغل، نژاد، زبان، قومیت و حتی گروه‌های اجتماعی ایجاد شده است. شهر، دارای تعدادی دروازه است و قلعه دفاعی شهر به حصار متصل است و در خارج حصار گورستان‌های مختلف برای هر گروهی قرار دارد (اهلرس، ۱۳۷۳: ۲۵).

اوینگن ویرت در مدل ارائه شده خود می‌گوید: شهر اسلامی هیچ تفاوتی با شهرهای غربی ندارد، مگر در عنصری با نام بازار، به گونه‌ای که بازار در شهرهای غربی فقط محل

تجارت است، ولی در شرق اسلامی بازارهای شهری علاوه بر سیمای ظاهری متفاوتی که از بازارهای غربی دارند، به لحاظ محتوا نیز بازارهای شهرهای اسلامی علاوه بر دارا بودن کارکردهای تجاری دارای کارکردهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی نیز هستند (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۴). در مدل ویرت، بازارها از مرکز شهر به صورت شعاعی توسعه یافته‌اند و راه‌های اصلی از مرکز شهر در راستای بازار به سمت دروازه‌ها کشیده و گسترش یافته‌اند که از آن به عنوان گذر یاد می‌شود و محدوده محلات را نیز در بر می‌گیرند.

اکارت اهلرز ضمن اشاره به سازوکارهای رشد و توسعه در شهرهای اسلامی، خصایص ویژه این شهرها، نظیر جدایی‌گزینی‌های فضایی و وقف را مورد اشاره قرار داده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

از مطالعه بافت شهرهای اسلامی شمال آفریقا و خاورمیانه در دوران صدر اسلام که براساس شریعت اسلامی شکل گرفته‌اند، اصل توجه به حریم محلات با ویژگی‌های قومی مذهبی هر محله و نیز حریم‌های داخل محلات شامل کوچه‌های بن بست، کوچه نیمه‌خصوصی و معبر اصلی که فقط آقایان در آن حق تردد داشتند نیز قابل توجه است (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۸۷).

##### ۵. دیدگاه اندیشمندان ایرانی - اسلامی در خصوص شهر اسلامی ایرانی

به نظر بسیاری از پژوهشگران، تأثیر اسلام در ساخت شهرها بیشتر معطوف به ساخت بناهای مسکونی، تجاری و خدماتی یک یا دو طبقه و یک خط آسمان صاف و همواری است که در آن تنها مساجد از سایر بناهای بزرگ مذهبی از ارتفاع بیشتری نسبت به بناهای مجاور برخوردار بودند و به عنوان عنصر شاخص شهرهای اسلامی محسوب می‌شوند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲).

در رابطه با شکل و کالبد شهرهای اسلامی نیز برخی معتقدند: شهرهای اسلامی غالباً دارای ویژگی‌هایی از قبیل کوچه‌های پیچ در پیچ، فرم حلزونی شکل، تمایز اصلی نمای ساختمان شهرهای اسلامی با شکل غربی آن و قرارگیری مسجد در مرکز شهر اسلامی است که در مدیریت این فضاها برخی از اصول نیز نظیر نظم، تعادل، عدالت و... به عنوان اصول بنیادین مدیریت شهر اسلامی تأثیر بسزایی دارد (نقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۵).

سقایی نیز به موارد مختلفی از ویژگی‌های شهر اسلامی اشاره می‌کند که ماهیت شهر اسلامی، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وقف در شهرهای اسلامی، تأثیر فضاهای

مذهبی در شکل‌گیری ساخت شهر، باغ در شهرهای اسلامی، تأثیر اسلام در سیمای شهر و تأثیر اسلام در فضاهای شهری و وضعیت کنونی شهرهای اسلامی (سقائی، ۱۳۸۶) از جمله این خصوصیات است.

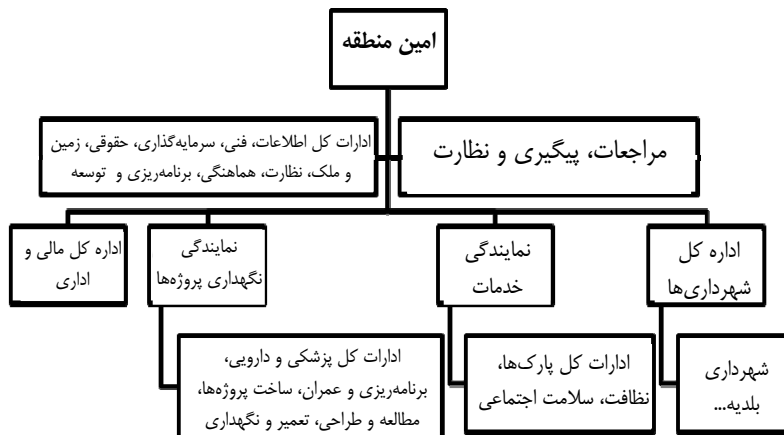
### ۶. نظام مدیریت فضاهای شهری در برخی از کشورهای اسلامی

با توجه به ظهور اسلام در منطقه خاورمیانه به نظر می‌رسد باید الگوی مدیریت شهری این کشورها بر اساس محوریت دین اسلام شکل گرفته و توسعه یافته باشد، اما با گذشت چند قرن از ظهور اسلام، به تدریج مراکز حکومت از مساجد فاصله گرفتند و تفاوت‌های شهر اسلامی با سایر شهرهای دنیا را کم کردند. شاید بتوان گفت که این روند در چند دهه اخیر سرعت بیشتری هم گرفته است. در ادامه به وضعیت موجود در ساختار مدیریت شهری چند کشور اسلامی می‌پردازیم:

#### ۶-۱. عربستان سعودی

با توجه به ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان که یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشورهای اسلامی به شمار می‌آید و لزوم رعایت دستورات پیامبر (ص) در شهرهای صدر اسلام، از جمله مدینه و مکه، مدیریت شهری در این کشور از اهمیت ویژه‌ای برای مسلمانان جهان و نیز حاکمان عربستان سعودی برخوردار است. اما تحولات بعد از رحلت پیامبر (ص) و سلطه نظام خلیفه‌گری و پس از آن، نظام پادشاهی با مدیریت متمرکز این کشور را در حوزه مدیریت فضاهای شهری دستخوش تغییرات اساسی کرد. قوانین حقوقی این کشور برگرفته از تفسیر احمد حنبل از احکام قرآن است (نادری، ۱۳۸۸: ۵۶).

در عربستان امین هر منطقه به‌عنوان حاکم آن، نظارت عالی و راهبری شهرداری را برعهده دارد و عضو مجلس کشور نیز هست. ساختار تشکیلاتی شهرداری در عربستان دارای چند نمایندگی و اداره کل زیر نظر امین منطقه است؛ ادارات کل شهرداری‌ها (شهرداری هر بلدیة یا منطقه) و دو نمایندگی (خدمات و نگهداری پروژه‌ها) که هر کدام تعدادی اداره کل را مدیریت می‌کنند.



Source: www.medinamisior.gov.ph

نمودار ۳. ساختار مدیریت شهری در عربستان سعودی (شهر مدینه)

با توجه به ویژگی منحصر به فرد شهر مدینه در سفرهای زیارتی اتباع خارجی تمرکز مدیریت شهری بر نظافت و بهداشت عمومی و نیز الگوهای مهندسی پروژه‌های عمرانی و نظارت بر ساخت و سازهای شهری تمرکز ویژه‌ای دارد.

## ۲-۶. کویت

نظام مدیریت شهری در کویت به مراتب غیر متمرکزتر از عربستان است. نظام حکومتی کلان در این کشور امیرنشین موروثی و برعهده دو خاندان به صورت دوره‌ای است و بیش از ۲۵۰ سال است بر این کشور حکومت می‌کنند. وزیر این کشور توسط نخست وزیر به مجلس معرفی می‌شوند و وزیر امور شهری متولی مدیریت شهری بوده و مدیرکل شهر را منصوب می‌کند که در زیرمجموعه آن بخش‌های مختلف (مقررات، فضاهای کالبدی، شرکت‌ها، خدمات، توسعه اطلاعات و مالی اداری) و ادارات (پیگیری، نظارت، بازرسی و مناطق) و نیز شعب شهرداری‌ها است.

نظام مدیریت شهری در این کشور برگرفته از لوایحی است که در مجلس این کشور به تصویب رسیده است. این لوایح در حوزه‌های بازار، نظافت، مدیریت محلی، مدیریت مناطق مسکونی، دستورالعمل‌های ساخت و ساز و فضاهای کالبدی شهر است. در بررسی نظام مدیریت شهری این کشورها همان‌گونه که ساختار مدیریت شهری این دو کشور

اسلامی نشان می‌دهد، ادامه روند بهره‌گیری از مبانی اسلامی و تمرکز قدرت بر اداره امور شهرهاست. به عبارت دیگر، مدیریت بومی حاکم بر نظام مدیریت شهری در قبل از اسلام پس از گذشت چند قرن بر الگوی مدیریت پیامبر (ص) برتری یافت. از طرفی الگوبرداری‌های غربی در ساختار مدیریت شهر و درهم آمیختن آن با مبانی اسلامی و ساختارهای حاکمیتی باعث شد ضمن حفظ نظام متمرکز کشورهای عربی، تشکیلات مدیریت شهری در زیرمجموعه‌های خود در مدیریت فضاهای کالبدی مشابهت داشته باشند. این در حالی است که علی‌رغم اینکه برخی کشورهای اسلامی دیگر همچون اردن و امارات دارای نظام مدیریت شورایی در شهر هستند، در مدیریت فضاهای شهری به گونه‌ای مشابه با این دو کشور هستند.

#### ۷. عناصر اصلی سازنده شهر اسلامی در مدیریت فضا

قانون‌گذاری و تدوین مقررات سرمایه‌گذاری، طراحی، حفظ و نگهداری و نظارت، از جمله مهم‌ترین سرفصل‌های مدیریت شهری در کشورهای اسلامی است که امکان تبلور الگوی اسلامی را فراهم می‌سازد. توجه به معماری و شهرسازی بومی، رعایت قوانین و جرایم اسلامی در مدیریت فضاهای کالبدی شهر و توجه به نظافت از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های مدیریت شهری در این کشورها است.



Source: www.baladia.gov.kw

نمودار ۴. نظام مدیریت شهری در کویت

## ۸. رویکرد الگوی مدیریت فضایی شهر اسلامی در اسناد توسعه جمهوری اسلامی ایران

قانون برنامه پنج ساله پنجم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) از جمله مهم‌ترین برنامه‌های توسعه کشور طی یک برنامه پنج ساله است که در مواد زیرمجموعه آن، تعمیق ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی، شناساندن فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی را در دستور کار خود قرار داده است. از جمله مهم‌ترین مواد این برنامه که به صراحت، به موضوع مدیریت فضاهای شهری در قالب الگوی ایرانی اسلامی می‌پردازد، ماده ۶ برنامه پنجم است که دستگاه‌های متولی، از جمله شهرداری‌ها و وزارت راه و شهرسازی را مکلف به در نظر گرفتن فضاهای مورد نیاز برای عناصر هویت‌بخش به شهر اسلامی به شرح زیر کرده است: ماده ۶: به منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره‌گیری بهینه از بقاع متبرکه، گلزار شهدا و اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادی و تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف) وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری‌ها موظفند در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک‌ها و شهرهای جدیدالاحداث، اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی، بدون دریافت هزینه و با حفظ مالکیت عمومی و دولتی در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند.

ب) مالکان اماکن تجاری، اداری و خدماتی جدیدالاحداث موظفند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث کنند. تأیید نقشه مجتمع‌های مذکور منوط به پیش‌بینی محل مناسب برای نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی است.

## ۹. بررسی تأثیر مدیریت فضاهای شهری در الگوی ایرانی اسلامی در بخش مرکزی تهران

بخش مرکزی تهران که هسته شکل‌گیری پایتخت به شمار می‌آید، از زمان شاه طهماسب صفوی در سال ۹۳۲ ه. ش پایه‌ریزی شد و در زمان قاجار توسعه پیدا کرد و در دوران پهلوی اول و دوم با تخریب دروازه‌ها و باروها زمینه رشد امروزه آن فراهم شد. بخش

مرکزی تهران در حال حاضر شامل محدوده خیابان‌های انقلاب از شمال، ۱۷ شهریور از شرق، کارگر از غرب و شوش از جنوب است و کل منطقه ۱۲ و بخشی از منطقه ۱۱ شهرداری را شامل می‌شود. بنابراین محدوده مطالعه منطقه ۱۲ شهرداری تهران با جمعیت ۲۴۰۷۲۰ نفری (۱۲۲۱۴۱ مرد و ۱۱۸۵۷۹ زن) و ۷۶۶۲۰ خانواری (بعد خانوار ۳/۱۴) معادل ۲/۹۵ درصد از جمعیت کلانشهر تهران در سال ۱۳۹۰ (سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران ۱۳۹۰) که حاکی از تحت پوشش قرار گرفتن سه چهارم از جمعیت بخش مرکزی تهران (شامل کل منطقه ۱۲ و بخشی از منطقه ۱۱ شهرداری تهران) در این منطقه است.

پیاده‌سازی روش پژوهش براساس مطالعات بنیادی و چارچوب نظری و برداشت‌های میدانی از جمله مشاهدات پژوهشگر، تجربیات محقق، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه برای تحقیق در خصوص میزان همبستگی متغیرها و روش تحقیق پس رویدادی (علّی، مقایسه‌ای) که در آن روابط بین متغیرها از دیدگاه رفتارشناسی و نیز علت و معلولی مقایسه می‌شوند و نتیجه حاصل از پرسشنامه‌ها با روش مقایسه‌ای تحلیل می‌شوند. بنابراین بخش مرکزی شهر تهران به ۱۹ گستره تقسیم شده است که هر کدام از این گستره‌ها، زمانی به عنوان مجموعه سکونتگاهی با ویژگی فرهنگی، معیشتی و دارای سلاقی مختلف و گروه‌های اجتماعی متفاوت با سایر محلات بوده‌اند. برای بررسی‌های مطالعه اهداف طرح از کلیه محلات بخش مرکزی نمونه‌گیری به عمل آمده است. تعداد پرسشنامه‌ها به نسبت مساوی بین هر گستره توزیع شد و نمونه‌گیری به صورت اتفاقی و تصادفی از ۳ گروه اجتماعی (مردم عادی شامل کسبه و رهگذران و ساکنین، پژوهشگران و مدیران) انجام پذیرفته و نظر این سه گروه به کل جامعه تعمیم داده خواهد شد. ضمن آنکه توجه به مسئله با صرفه بودن نمونه‌گیری، سرعت عمل و کوتاه بودن زمان و کیفیت و دقت در جمع‌آوری داده‌ها مد نظر خواهد بود. از طرف دیگر چون این پژوهش غیرآزمایشی (توصیفی) است، دقت داده‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد.

برای تعیین حجم نمونه برای آزمون فرض درباره میانگین یک جامعه از روش کرک استفاده شده است. در این روش چنانچه سطح معناداری  $\alpha=0/05$  و همچنین توان آزمون  $1-\beta=0/8$  و جذر واریانس جامعه  $\sigma=12/5$  باشد، از آنجایی که تفاوت بین وضعیت مطلوب هویت با آنچه موجود است مشخص نیست، باید تفاوتی را که می‌خواهیم

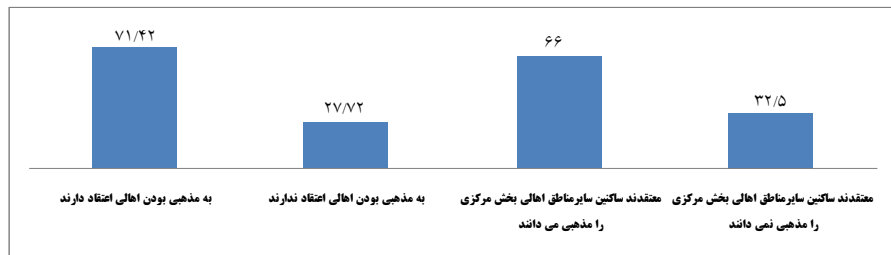


از قبل مشخص کنیم. بنابراین میزان  $d = 0/5$  که همان حجم اثر متوسط است، از رابطه  $d = \frac{(\mu - \mu_0)}{\sigma}$  به دست آمده و از رابطه زیر تعداد ۳۴۸ پرسشنامه به دست می‌آید.  $Z_{0/05} = 1/64$  و  $Z_{0/2} = 0/84$

$$Z_B = \frac{d(n-1)\sqrt{n}}{(n-1)+1/21(Z_{\alpha}-1/06)} - Z_{\alpha}$$

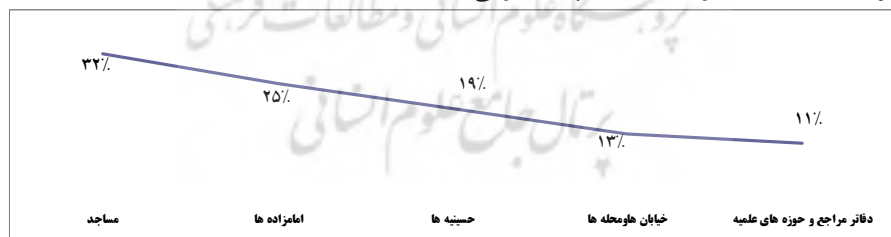
بنابراین انتخاب ۲۰۰ مورد پرسشنامه برای ساکنین (به ازای هر هزار نفر ساکن، یک پرسشنامه) و نیز ۵۰ پرسشنامه برای متخصصین و مدیران و در نهایت ۱۰۰ پرسشنامه برای بهره‌برداران (شامل رهگذران، گردشگران و کسبه) که سهم سه گروه فوق در آن در جمع‌بندی و تحلیل داده‌ها یکسان در نظر گرفته شده، توزیع خواهند شد و توسط مصاحبه‌کنندگان که در این خصوص توجیه شده‌اند در جامعه آماری با مصاحبه حضوری تکمیل می‌گردد. در نهایت، تجربیات و مشاهدات محقق در جمع‌بندی و تحلیل این پرسشنامه‌ها نقش مدیریت داده‌ها و اطلاعات را خواهد داشت. بنابراین چنانچه مطابق هدف و فرضیه بخواهیم عناصر متمایزکننده شهر اسلامی را از دیدگاه شهروندان شناسایی و تأثیر آن را در مدیریت شهری ارزیابی کنیم، اولین سؤال از شهروندان این است که چه دلایلی دارند که از بخش مرکزی تهران به عنوان محدوده‌ای مذهبی و دارای عناصر شهر اسلامی یاد کنند. این سؤال در راستای تأیید یا رد این فرض است که الگوهای ایرانی اسلامی به جای مانده از گذشته بر مدیریت شهری موجود در بخش مرکزی تهران تأثیر گذارند. این در حالی است که براساس اعلام شهرداری منطقه تاریخی (بخش مرکزی تهران دارای دو شهرداری مناطق ۱۱ و ۱۲ و نیز شهرداری بخش تاریخی است) و نیز سازمان میراث فرهنگی استان تهران در این محدوده بیش از ۷۵ مکان مذهبی از قبیل مسجد، تکیه، بقاع متبرکه، حوزه‌های علمیه و مؤسسات آموزشی دینی متعددی که اغلب در کنار مساجد و بقاع متبرکه هستند و دفاتر آیات عظام که غالباً دارای ارزش‌های فرامنطقه‌ای است وجود دارد. در تأیید تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی بر مدیریت فضاهای کالبدی بخش مرکزی تهران ملاحظه می‌شود که اهالی معتقدند: به دلیل ساختار اجتماعی، فرهنگی بر جای مانده از گذشته، ساکنان این منطقه نسبت به سایر مناطق تهران مذهبی‌تر هستند. بنابراین همان‌گونه که در نمودار ۵ ملاحظه می‌شود، بیش از ۷۱ درصد اهالی معتقدند که ساکنین

منطقه ۱۲ مذهبی تر از ساکنین سایر مناطق تهران هستند و ۶۶ درصد نیز معتقدند مردم تهران به مذهبی تر بودن ساکنین منطقه ۱۲ اعتقاد دارند. این مهم، این فرض را تأیید می کند فرهنگ ایرانی اسلامی موجود در بخش مرکزی تهران تأثیر گذار بر ساختار اجتماعی بوده است.



#### نمودار ۵. بررسی میزان مذهبی بودن اهالی بخش مرکزی تهران از دیدگاه اهالی

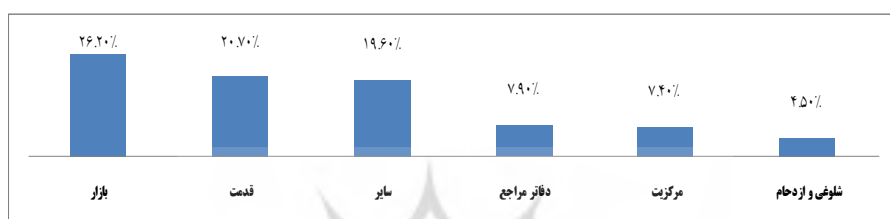
در پرسش دیگری برای ارزیابی حساسیت شهروندان به فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی براساس مدل LULC، از شهروندان سؤال شد که کدام عناصر کالبدی را بر اساس اولویت به عنوان شاخصه های اسلامی ایرانی بودن محلات خود معرفی می کنند. این سؤال برای تأیید این فرضیه بود که فرهنگ ایرانی اسلامی دارای عناصر کالبدی به جای مانده از گذشته است که هنوز از دیدگاه شهروندان باعث ایجاد تعلق خاطر می شود. بنابراین بر اساس آنچه در نمودار زیر ملاحظه می شود، مساجد و امامزاده های موجود در بخش مرکزی تهران از جمله مهم ترین عناصر تأثیر گذار فرهنگ ایرانی اسلامی بر بخش مرکزی تهران از دیدگاه شهروندان انتخاب و معرفی شده اند.



#### نمودار ۶. میزان حساسیت ساکنین به عناصر مذهبی بخش مرکزی تهران

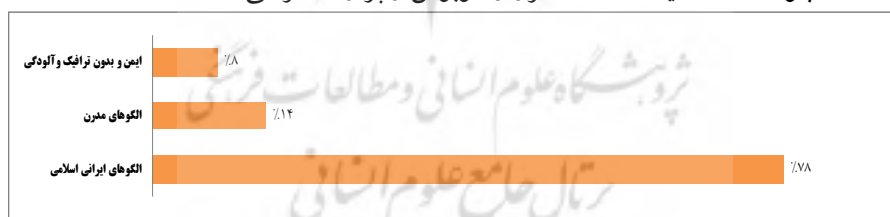
نمودار بالا این فرض را تأیید می کند که شهروندان تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی را تمایز و تشخیص داده و آن را از دیدگاه خود اولویت بندی می کنند.

برای تأیید این فرض که عناصر اسلامی ایرانی در بخش مرکزی تهران از جایگاه بالاتری از لحاظ اعتقادی نسبت به سایر عناصر جدیدالاحداث از دیدگاه شهروندان در منطقه قرار دارند، نمودار ۷ تأییدکننده این فرض است که بازار به عنوان مهم‌ترین عنصر در شهر اسلامی و بعد از آن قدمت بناها قرار دارند. این در حالی است که سایر عناصر تأثیرگذار همچون آلودگی هوا، فضاهای داخل بافت قدیمی، ناامنی، پرسه زدن معترضان و غیره درصد قابل توجهی را در نظر سنجی از شهروندان به خود اختصاص داده است.



نمودار ۷. اولویت‌بندی عناصر کالبدی بخش مرکزی تهران از دیدگاه شهروندان

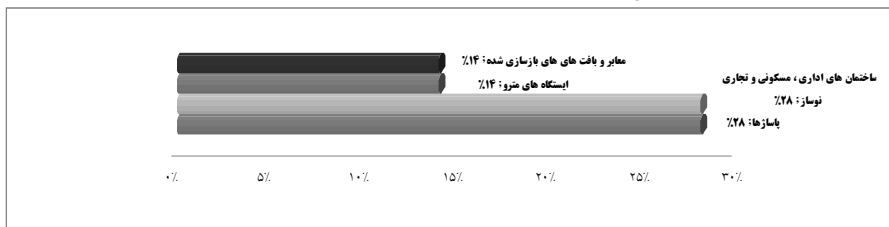
برای تأیید غالب بودن تأثیر فرهنگ ایرانی اسلامی بر روند توسعه منطقه ۱۲ بر اساس نمودار زیر، ۷۸ درصد شهروندان الگوهای ایرانی اسلامی را در منطقه غالب می‌دانند و ۱۴ درصد نیز ورود ساخت و سازهای مدرن همچون پاساژها و بناهای آپارتمانی تازه تأسیس و مابقی نیز اقدامات مدیریت شهری برای کاهش ازدحام جمعیت و ترافیک منطقه همچون احداث ایستگاه‌های مترو و اتوبوس راپر رنگ‌تر می‌دانند.



نمودار ۸. الگوهای غالب در مدیریت بخش مرکزی تهران

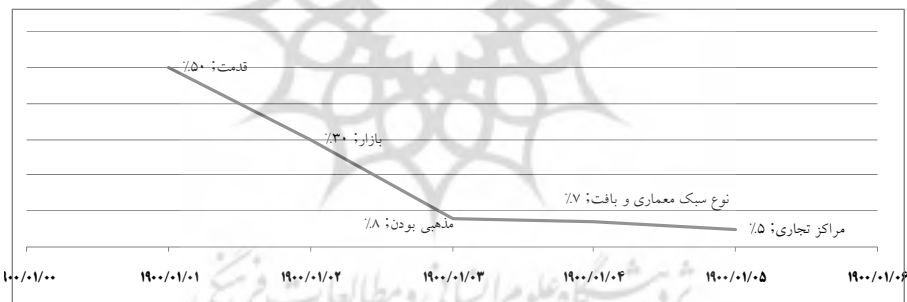
موضوع دیگر عناصر ضد ارزش منطقه هستند که در مواجهه با فرهنگ ایرانی اسلامی از شهروندان مورد نظر سنجی قرار گرفت. از این میان پاساژها و ساختمان‌های نوساز با بیشترین درصد (۲۸٪) و بعد از آن ایستگاه‌های مترو و اتوبوس و معابر و بافت‌های بازسازی

شده با ۱۴ درصد به عنوان عناصر کالبدی مقابله کننده با ارزش های فرهنگ ایرانی اسلامی از سوی شهروندان تشخیص داده شده اند.



نمودار ۹. مشخصه هایی که باعث از بین رفتن ارزش های هویت بخش به بخش مرکزی تهران شده

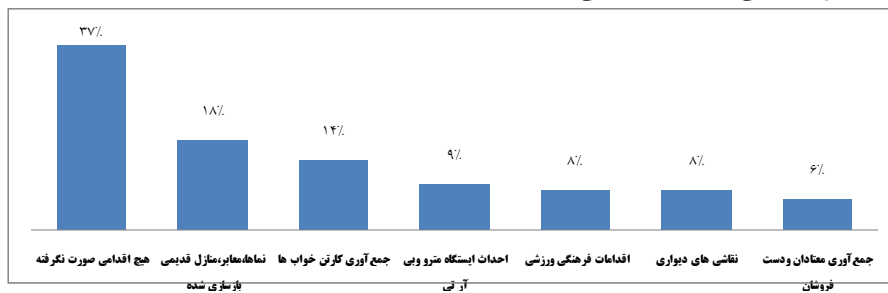
این در حالی است که در یک جمع بندی کلی تر از حساسیت شهروندان نسبت به شاخص ترین عناصر کالبدی موجود در بخش مرکزی تهران، قدمت منطقه با ۵۰ درصد در اولویت اول و بعد از آن بازار و مذهبی بودن ساکنین در اولویت های بعدی قرار گرفت که نمودار ۹ نیز تأیید کننده گرایش شهروندان به این شاخصه های ایرانی اسلامی در فضاهای شهر است.



نمودار ۱۰. میزان حساسیت ساکنین به عناصر هویت بخش منطقه ۱۲

با توجه به آنچه گفته شد، مهم ترین قسمت مطالعات صورت گرفته را می توان تأثیر الگوهای ایرانی اسلامی بر مدیریت فعلی بخش مرکزی تهران دانست. بنابراین باید دید که ساختار جدید مدیریت شهری تا چه اندازه توانسته است بر حفظ و نگهداری الگوهای هویت بخش تأثیر گذار باشد. در این قسمت از مطالعات تمرکز اصلی بر مدیران شهری بود و اینکه شیوه های مدیریت بر جای مانده از گذشته آیا توانسته است تأثیری بر الگوهای فعلی بگذارد یا خیر. چنانچه اقداماتی از طرف مدیران شهری برای حفظ و نگهداری

فضاهای سنتی صورت گرفته، این اقدامات دارای چه ابعاد و شیوه‌هایی است؟ نمودار ۱۱ نتیجه این ارزیابی را به تصویر می‌کشد.



نمودار ۱۱. اقدامات مدیریت شهری برای حفظ و نگهداری فرهنگ اسلامی ایرانی از دیدگاه مدیران شهری

همان‌گونه که در این نمودار ملاحظه می‌شود، ۳۷ درصد شهروندان معتقدند که اقدامات جدی در حفظ و نگهداری عناصر هویت‌بخش بر جای مانده از گذشته صورت نگرفته است، اما در اولویت‌های بعدی، بازسازی بدنه‌ها، جداره‌های ساختمان‌های قدیمی، جمع‌آوری عناصر ضد ارزش (معتادان، کارتن خواب‌ها و سارقین)، احداث عناصری که به کاهش ازدحام در بخش مرکزی تهران انجامیده (ایستگاه‌های مترو و اتوبوس) را از جمله اقدامات مدیریت شهری بخش مرکزی تهران دانسته‌اند.

## ۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بررسی تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی در مدیریت فضاهای کالبدی شهرها، همان‌گونه که ملاحظه شد، تمدن اسلامی طی صدها سال الگویی برای مدیریت فضاهای کالبدی شهرهای کشورهای اسلامی بوده و بر اساس آن، هسته‌های اولیه این شهرها شکل گرفته است. اما توسعه این شهرها تحت تأثیر ورود تئوری‌ها و فناوری غربی قرار گرفت و به تبع آن، هسته‌های اولیه این شهرها تغییر یافت. این در حالی است که سایر کشورهای مسلمان در ساختار مدیریت شهری خود کمتر از ایران تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. شاید بتوان این مهم را ناشی از گذار ایران از حکومت مرکزی به ساختار دموکراتیک با حکمرانی خوب شهری دانست. نتایج مطالعات تأثیر فرهنگ ایرانی اسلامی در مدیریت شهری بخش مرکزی تهران حاکی از آن است که علی‌رغم وجود بافت سنتی و ارگانیک موجود در بخش مرکزی تهران، این محدوده همچنان دارای ساکنین مذهبی، عناصر کلیدی شهرهای

اسلامی همچون بازار، مسجد جامع، مکان‌های مقدس، موقوفات و غیره است، اما بخش مرکزی تهران تحت تأثیر رشد چند دهه اخیر شهر قرار گرفته و همچنان مدیریت یکپارچه بر فضاهای جدید و قدیم شهر تهران اعمال می‌شود که این مسئله باعث شده اقدامات مدیریتی شهر به بهسازی برخی فضاها، تمرکززدایی، حفظ و نگهداری تعدادی از آثار باستانی، تأمین خدمات زیربنایی و غیره محدود شود. از طرفی حساسیت شهروندان نسبت به عناصر موجود، به‌ویژه عناصر مذهبی و تاریخی و گرایش بیشتر ایشان به مذهب در مقایسه با سایر مناطق تهران حاکی از اهمیت مدیریت این فضاها توسط ایشان است.

با توجه به سابقه چندین هزار ساله تشکیل شهر در ایران و برخی از کشورهای اسلامی و نیز تولد دین اسلام در شهر، مدیریت شهری پس از ظهور اسلام از الگوی منتج از فرامین الهی سرچشمه گرفت و به تبع آن شاهد تحولات مدیریتی و کالبدی ناشی از این تأثیرات (شکل‌گیری محلات، مساجد محله‌ای، مسجد جامع، بازار و کاربری‌های مهم مستقر در جوار آن، دارالخلافه، میدان موقوفات، ساختار مدیریتی شهر اسلامی از جمله این ویژگی‌ها است) در شهرهای پس از ظهور هستیم.

اغلب شهروندان، مدیریت شهری بخش مرکزی تهران را محدود به جمع‌آوری معادین و کارتن‌خواب‌ها، بدنه‌سازی و نماسازی جداره‌ها و مرمت خیابان‌ها و احداث مستحذات زیربنایی می‌دانند. بنابراین مدیریت کنونی بخش مرکزی تهران، علی‌رغم بافت اجتماعی مذهبی شهروندان و غلبه شاخص‌های کالبدی سنتی و دینی با آنچه در گذشته در تهران اعمال می‌شده و در سایر کشورهای اسلامی صورت می‌پذیرد، تفاوت دارد. در رویکرد اخیر در اعمال قوانین ایرانی اسلامی در مدیریت شهری نیز علی‌رغم تأکید دولت در بهره‌گیری از اصول تمدن ایرانی اسلامی در سند چشم‌انداز و برنامه پنج‌ساله پنجم نیز تأثیرات آن در بخش مرکزی تهران پررنگ دیده نشده و اقدامات محدود به همان موارد فوق است.

تفاوت این پژوهش با سایر مطالعات صورت گرفته، بررسی دیدگاه مردم درباره تأثیر فرهنگ ایرانی اسلامی بر مدیریت شهری است و از این لحاظ دارای اهمیت است که علی‌رغم حساسیت مردم نسبت به عناصر اصلی شهر اسلامی، این مهم در مدیریت شهری فعلی بخش مرکزی تهران تفاوتی با سایر مناطق تهران ندارد. این در حالی است که شاید با در نظر گرفتن آنچه در گذشته بر مدیریت شهری شهرهای اسلامی ایرانی اعمال می‌شده و

نیز اصول بنیادین دین مبین اسلام، تا حدودی بتوان از بار مشکلات ناشی از فاصله گرفتن بخش مرکزی تهران از هویت خود و تبدیل شدن این محدوده به منطقه‌ای ناامن و پرازدحام که توسط شهروندان بارها ذکر شده کاست.

این پژوهش با توجه به ناآشنایی بسیاری از ساکنین با ویژگی‌های هویت‌بخش منطقه، دارای محدودیت‌هایی در جمع‌آوری اطلاعات و آمار مورد نیاز بود که غالباً اطلاعات دقیق‌تر از طریق مصاحبه و توضیح شهروندان قابل کسب بوده و پرسشنامه‌های توزیع شده گاه با نقص اطلاعات مواجه می‌شده‌اند. بنابراین لازم است در مطالعات بعدی برای دریافت اطلاعات تکمیلی بر روی حوزه‌های خاص و محدودتری (گزیده‌ای از محله‌های قدیمی خارج از محله‌بندی‌های شهرداری) از بخش مرکزی تهران تمرکز کرد.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن الرامی (۱۹۸۸). الاعلان باحکم البیان، اسکندریه: تحقیق عبدالستار.
۳. اشرف، احمد (۱۳۵۷). شهرنشینی در ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
۴. اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۸). طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، انتشارات نیلوفر.
۵. اهلرس، اکارت (۱۳۷۳). «شهر شرق اسلامی مدل و واقعیت»، ترجمه مصطفی مؤمنی و محمدحسن ضیاء، فصلنامه جغرافیایی، سال نهم شماره ۱.
۶. برک پور، ناصر و ایرج اسدی (۱۳۹۰). مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر.
۷. پورا احمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹). «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، زمستان، پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
۸. تایماز، لاریمیان و عبدالله بهار (۱۳۹۱). «گزارش شهر معاصر به شهر ایرانی اسلامی با تأکید بر مشارکت مردمی»، مجموعه مقالات همایش حکمرانی خوب شهری، شهرداری تهران.
۹. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۳). از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶). شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد: نشر نیکا.
۱۱. ذکایی، مرجان (۱۳۸۱). «شهرسازی مشارکتی محله مسلم ابن عقیل»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۹.
۱۲. رفیقدوست، رضا و پویان شهبان (۱۳۸۷). «درآمدی بر شناخت وجوه زیبایی در قرآن با تأکید بر تجلی جمال توحیدی در صفات شهر اسلامی»، نشریه پژوهش دینی، شماره شانزدهم، بهار.
۱۳. روزنامه مردم‌سالاری (۱۳۸۶). «مدیریت واحد شهری ایران»، امید سیاوش، شماره ۱۶۹۷، دوم دی‌ماه:
۱۴. سقایی، محسن (۱۳۸۶). «ایدئولوژی اسلام و تأثیر آن بر ساخت شهرها»، فصلنامه مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۲۰، زمستان.
۱۵. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). فضاهای شهری در بافت تاریخی ایران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۶. شفقی، سیروس (۱۳۸۱). «عناصر بازار اصفهان و موقوفات آن»، فصلنامه میراث جاویدان.
۱۷. شهبایی، علی اکبر (۱۳۴۳). تاریخچه وقف در اسلام، دانشگاه تهران.
۱۸. عریان، مرجان (۱۳۷۴). «شهرهای اسلامی»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی.
۱۹. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۸). مبانی مدیریت شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. کونشو، پائولو (۱۳۸۴). تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، انتشارات



۳۱ بررسی تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی در مدیریت فضاهاى شهری

وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۱. مقدسی، ابواسحاق ابراهیم اصطخری (۱۳۶۸). مسالک و ممالک، ترجمه ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۲. نادری، عباس (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناختی نظام سیاسی عربستان»، مجله سیاست، شماره ۸۹، پاییز.

۲۳. نظریان، اصغر (۱۳۸۳). جغرافیای شهری ایران، انتشارات پیام نور.

۲۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹). «صفات شهراسلامی از نگاه قرآن کریم»، مجله صحیفه مبین، شماره پنجم.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی